



Islamic Azad University, Lahijan Branch

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines

آموزه‌های فقه و حقوق جزاء

HomePage: <http://jcl.d.liau.ac.ir>

Vol.1, No.4, Issue 4, Winter 2022, P:1-30

Receive Date: 2022/10/25**Revise Date:** 2022/12/30**Accept Date:** 2023/1/17**Article type:** Original Research**Online ISSN:** 2821-2339**DOI:** 10.30495/jcl.d.2023.1976329.1036

Examining the Legal and Criminal Aspects of the role of Semantics and Discourse Analysis to Improve Judicial Testimony in Courts

Zohreh Bahrami ¹Davood Madani ²Mahmoud Qayyumzadeh ³

Abstract

One of the most important evidences of judgments in judicial courts is reference to the testimony of witness, since slips and mistakes have been and continue to be with humans. Therefore, in the issue of testimony, sometimes people take their personal motives, interests and intentions into account and based on that, they testify. Accordingly, there is a need for legal linguistics to distinguish between true and false testimony and other failures in testimony. Therefore, the following research, focusing on the two aforementioned principles, explains the legal and criminal aspects of the role of semantics and discourse analysis in order to improve judicial testimony in the courts through a case study. The results of the research show that Hyland's model monitors the words and expressions used in witness testimony but Grice's principle is based on phrases and sentences of witness testimony. So Hyland's model is more effective than Grice's principle in distinguishing true from false testimony. The Hyland's principle, by means of its meta-discourse tools, determines the witnesses' knowledge of the events and challenges and shortcomings of the witnesses' statements, based on which the courts can distinguish true from false testimony.

Keywords: legal linguistics, semantics and judicial testimony, Hyland's model in testimony, Grice's model in testimony.

¹. PhD student in Linguistics, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran
zohre.bahrami@gmail.com.

². Assistant Professor, Department of Linguistics, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.
(Corresponding Author) dr.madani@linguist@gmail.com

³. Professor, Department of Islamic Culture and Education, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran. maarefteacher@yahoo.com



دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines آموزه‌های فقه و حقوق جزاء

سال اول - شماره ۴ - شماره پیاپی ۴ - زمستان ۱۴۰۱، ص ۱-۳۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷
نوع مقاله: پژوهشی شاپا الکترونیکی: ۲۸۲۱-۲۳۳۹
DOI: 10.30495/jcld.2023.1976329.1036

بررسی ابعاد حقوقی و کیفری نقش معناشناسی و تحلیل گفتمان در جهت بهبود شهادت قضایی در دادگاه‌ها

زهرة بهرامی^۱

داود مدنی^۲

محمود قیوم زاده^۳

چکیده

یکی از مهمترین ادله‌ی احکام در محاکم قضایی، استناد به شهادت شهود است و از آنجا که لغزش و خطا، با انسان همراه بوده و هست؛ لذا در مسأله‌ی شهادت، برخی از مواقع، اشخاص مقاصد و منافع و غرض شخصی را در نظر می‌گیرند و بر اساس آن به ادای شهادت می‌پردازند، با این وصف، نیاز به زبان‌شناسی حقوقی، برای تشخیص شهادت صدق از کذب و سایر نارسایی‌های شهادت، لازم و ضروری است. در خصوص انواع نظریه‌های مرتبط با زبان‌شناسی، الگوی هایلند و اصل گرایس، بیشترین کارایی را در شهادت‌های قضایی دارند؛ از این رو، نوشتار پیش‌رو، با روی نهادن به دو اصل مذکور، از طریق بررسی نمونه‌ای، به تبیین ابعاد حقوقی و کیفری نقش معناشناسی و تحلیل گفتمان در جهت بهبود شهادت قضایی در دادگاه‌ها می‌پردازد. نتایج تحقیق، بیانگر این امر است که الگوی هایلند، ناظر بر واژگان و الفاظ به کار رفته در شهادت‌نامه شهود است؛ اما اصل گرایس ناظر بر عبارات و جملات شهادت‌نامه شهود است؛ لذا الگوی هایلند کارایی بیشتری نسبت به اصل گرایس در تشخیص شهادت صدق از کذب دارد. اصل هایلند به‌وسیله ابزارهای فراگفتمانی خود، میزان اطلاع شهود از موقع، چالش‌ها و نارسایی‌های اظهارات شهود را مشخص می‌کند که محاکم دادگستری بر اساس آن می‌توانند شهادت صدق از کذب را تشخیص بدهند.

واژگان کلیدی: زبان‌شناسی حقوقی، معناشناسی و شهادت قضایی، الگوی هایلند در شهادت، الگوی گرایس در شهادت.

۱. دانشجوی دکترای زبان‌شناسی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران zohre.bahrami@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان‌شناسی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران (نویسنده مسئول)

dr.madanilinguist@gmail.com

۳. استاد گروه فرهنگ و معارف اسلامی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران maarefteacher@yahoo.com

زبان‌شناسی حقوقی با استفاده از دانش زبانی و نتایج حاصل از تحقیقات انجام شده در حوزه زبان‌شناسی و روش‌های ارائه‌شده در زمینه تجزیه و تحلیل گفتمان،^۱ معنی‌شناسی،^۲ کاربردشناسی،^۳ کنش‌های گفتار،^۴ فنون نگارش متون حقوقی،^۵ آواشناسی در تشخیص هویت^۶ و سایر موارد، مسائل حقوقی را تحلیل می‌کند و بدین ترتیب نه تنها مشکلات زبان‌شناسان و حقوقدانان را در درک عقاید یکدیگر برطرف می‌سازد بلکه در حقیقت موجب فهم و درک صحیح قانون در جهت اجرای عدالت اجتماعی می‌شود؛ به عبارت دیگر، گستره عملکرد پژوهش‌های زبان‌شناسی حقوقی از یک طرف، دانش زبان‌شناسی از طرف دیگر نیازهای مجامع قانونی و حقوقی است.

در عصر حاضر یکی از کاربردهای آن در مجامع قضایی در خصوص شهادت قضایی است که با توجه به انگیزه‌های سودجویی و دلایل دیگر، امروزه عده‌ای از افراد بدون اطلاع از وقایع و قضایا، اقدام به شهادت در محضر دادگاه می‌نمایند؛ لذا مقاله حاضر درصدد تبیین «راهکارهای زبان‌شناسی در تشخیص شهادت صدق از کذب» بوده و در این خصوص می‌توان گفت: کاری که زبان‌شناسی حقوقی در خصوص شهادت قضایی انجام می‌دهد، در واقع با به‌کارگیری اصولی مانند اصل هایلند و گرایس به قاضی و محاکم قضایی کمک می‌نماید که شهادت کذب را از صدق تشخیص دهد؛ لذا نگارنده در مقاله حاضر با استفاده از دو اصل هایلند و الگوی گرایس در تشخیص شهادت کذب از صدق است. سؤالات و جنبه‌های مجهولی که در تحقیق حاضر مطرح می‌گردد عبارت‌اند از: راهکارهای زبان‌شناسی در تشخیص شهادت صدق از کذب چیست؟ نقش الگوی هایلند در تشخیص شهادت صدق از کذب چگونه است؟ نقش اصول گرایس در تشخیص شهادت صدق از کذب چگونه است؟ کدام یک از اصول (اصل هایلند و الگوی گرایس)، کاربرد بهتری در تشخیص شهادت صدق از کذب دارند؟ لذا مهمترین فرضیه‌ای که تحقیق حاضر بر حول محور آن شکل گرفته، عبارت است از اینکه: الگوی هایلند در تشخیص شهادت صدق از کذب نسبت به اصل گرایس کارایی بهتری دارد.

نگارنده در تحقیق حاضر با تبیین هر یک از الگو و اصول (الگوی هایلند و اصل گرایس) و تحلیل داده‌ها (۲ پرونده مربوط به الگوی هایلند و ۲ پرونده مربوط به اصل گرایس) به سؤالات و جنبه‌های مجهول مذکور پاسخ مناسبی ارائه و به اثبات فرضیه تحقیق می‌پردازد.

1. discourse analysis
2. semantics
3. pragmatics
4. speech acts
5. law text writing skills
6. identification phonetics

۱. راهکارهای زبان‌شناسی

راهکار در لغت به معنای روش کار، راه‌حل برای انجام کار (معین، ۱۳۸۶، ۲۸۹) و مسیرهای پیش‌روی (دهخدا، ۱۳۷۷، ۶۸۳) آمده است. در اصطلاح به معنای شیوه و روش حل مسائل می‌باشد. زبان‌شناسی یا لینگویستیک^۱ علمی است که به مطالعه و بررسی روشمند زبان می‌پردازد (نجفی، ۱۳۷۱، ۱۲) و به شاخه‌هایی همچون زبان‌شناسی کاربردی، زیستی، تحلیل، نظری، زبانی، رایانشی و ... تقسیم می‌گردد که در مقاله حاضر منظور از آن، زبان‌شناسی کاربردی است؛ زیرا زبان‌شناسی کاربردی یک حوزه میان‌رشته‌ای است که به بررسی و ارائه راه‌حل‌هایی برای مشکلات واقعی مرتبط با زبان می‌پردازد. در واقع زبان‌شناسی حقوقی نگرشی کاربردی است که به‌مثابه یکی از رویکردهای نوین و بینا رشته‌ای در علم زبان‌شناسی به دو حوزه علمی زبان‌شناسی و حقوق اشاره دارد و در چند دهه اخیر به‌ویژه از سال ۱۹۹۷، در محافل زبان‌شناسی و حقوقی آمریکا و اروپا پدید آمده و از آن زمان از زبان‌شناسان در ارائه اسناد و شهادت در دادگاه‌ها به‌منظور کشف حقایق و قضاوت دقیق‌تر بهره می‌جویند (آقا گل‌زاده، ۱۳۸۵، ۳۱).

همچنین در راستای کشف حقیقت در دعاوی حقوقی با اثبات وقوع یا عدم وقوع جرم در دعاوی کیفری در محاکم می‌تواند بسیار کارآمد باشد. به باور گروت زبان‌شناسی حقوقی علمی است که ناظر بر عملکرد کلیه شاخه‌های زبان‌شناسی از قبیل آواشناسی در تشخیص هویت، واژه‌شناسی، معنی‌شناسی، تحلیل گفتمان در اهداف مرتبط با قانون در محاکم قضایی است. حوزه عملکرد پژوهش‌های زبان‌شناسی حقوقی (قانونی) از یک‌سو، دانش زبان‌شناختی و از سوی دیگر، نیازهای مجامع قانونی و حقوقی، همچون دادگاه‌ها است (Groot, 2003, 53).

۲. شهادت قضایی

واژه «شهادت» عربی و مرادف با گواهی در زبان فارسی است (دهخدا، ۱۳۷۳، ۱۴۵۹۳) و شاهد به معنای گواه می‌باشد و جمع آن شهود و اشهاد است (ابن منظور، ۱۳۷۴، ۲۴۱). شهادت از ریشه «شهد» گرفته شده و در فرهنگ‌نامه‌های عربی (طریحی، ۱۳۶۵، ۸۱-۸۰؛ ابن منظور، ۱۳۷۴، ۲۳۹)، شهادت در معنای مصدری^۲ به معنای متعددی مثل حضور داشتن، آگاه بودن، دیدن، اخبار و اعلام استعمال شده است. ابن فارس درباره معنای شهادت می‌نویسد: «در تمام کلماتی که از شهد اخذ شده، مفهوم حضور و علم و اعلام نهفته است؛ از جمله شهادت که سه معنای ذکر شده را در خود دارد» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲۲۱).

تعاریف متعددی از شهادت در منابع فقهی (جبعی عاملی، ۱۴۱۶، ۱۵۳؛ ابن فهد حلی، ۱۴۱۱، ۵۰۵) و حقوقی (امامی، ۱۳۷۰، ۱۸۹؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۱۴-۱۳) بیان شده است. قانون‌گذار در ماده ۱۷۴ ق.م.ا

^۱ . linguistics

^۲ . «شهادت» هم دارای معنی اسمی است و هم دارای معنی مصدری. معنی اسمی آن مانند استعمال این کلمه در آیه «عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ» (انعام، ۷۳) است. در آیه مزبور، کلمه شهادت در مقابل کلمه غیب آمده است. علاوه بر آن، این کلمه در معنی خبر قاطع نیز استعمال می‌شود و معنی مصدری آن «حضور داشتن»، «درک نمودن» و «اطلاع داشتن» و همچنین «اخبار قاطع دادن» است.

در تعریف شهادت مقرر می‌دارد: «شهادت عبارت از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوی به وقوع یا عدم وقوع جرم توسط متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضایی است». مطابق ماده ۱۷۵ ق.م.ا شهادت شرعی آن است که شارع آن را معتبر و دارای حجیت دانسته است، اعم از آن که مفید علم باشد یا نباشد. شهادت شرعی در مقابل شهادت عرفی یا شهادت مطلعان است و منظور شهودی هستند که واجد شرایط شرعی و قانونی شهادت نیستند. ماده ۱۷۶ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «در صورتی که شاهد واجد شرایط شهادت شرعی نباشد، اظهارات او استماع می‌شود. تشخیص میزان تأثیر و ارزش این اظهارات در علم قاضی در حدود اماره قضایی با دادگاه است». عناصر و نکاتی در تعریف مقنن از شهادت وجود دارد که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. خبر بودن شهادت: شهادت نقل حادثه یا امری است که شاهد آن را دیده یا شنیده یا با سایر حواس خود آن را درک کرده است. برای مثال ضرب و جرح و قتل را دیده یا دشنام و قذف را دیده و شنیده است و به اعلام و نقل آن‌ها می‌پردازد. کار شاهد احداث امری نو نیست؛ بلکه شاهد به نقل و تصدیق وقایع و حوادث پیشین اقدام می‌کند. به عبارت دیگر، شهادت از مقوله خبر است نه انشا؛ بنابراین در شهادت، احتمال صدق و کذب وجود دارد و در دادگاه لازم است به قدر کافی و لازم در خصوص شرایط شاهد و شهادت دقت کند.

۲. جزمی بودن: همان‌طور که در مباحث مربوط به مفهوم لغوی روشن شد، شهادت به معنای خبر از روی علم و یقین است و شاهد باید با علم و جزم شهادت بدهد. با توجه به اینکه جزم و یقین در مفهوم شهادت نهفته است، نیازی نیست در تعریف شهادت قید شود. در خصوص جزم و یقین در مبحث شرایط شهادت بحث خواهد شد.

۳. طرف دعوی نبودن شاهد: شاهد در شهادت، طرف دعوی نیست. او شخصی غیر از طرفین دعوا است که از معلومات و اخبارش برای اثبات یا نفی جرم یا امور مربوط به آن استفاده می‌شود؛ بنابراین سخنان مدعی یا مدعی علیه یا وکیل آنان شهادت محسوب نمی‌شود.

۴. تعمیم در موضوع شهادت: موضوع شهادت در دعاوی کیفری همیشه وقوع یا عدم وقوع جرم نیست؛ بلکه گاهی گواهی در خصوص اموری نظیر شهادت در جرح یا تعدیل شهود است که نه وقوع جرم و نه عدم وقوع آن است.

تذکر این نکته لازم است که شهادت به منشأ حق تعلق می‌گیرد، نه به خود حق؛ مثلاً در جرم قتل که حادثه‌ای مادی است، بر اساس قانون این عمل مادی، منشأ حق قصاص یا دیه برای اولیای دم است و شهادت به خود قتل تعلق می‌گیرد.

۳. تحلیل گفتمان

فرکلایف^۱ فرا گفتمان را نوعی «بینامتنی بارز»^۲ اطلاق می‌کند که نویسنده با به‌کارگیری آن‌ها به تعامل با متن خودش می‌پردازد؛ از این رو، فرا گفتمان می‌تواند به‌عنوان یک فن بلاغی^۳ تعریف شود که توسط گوینده یا نویسنده اعمال می‌شود تا درباره گفته‌اش صحبت نماید (Crismore, 1993, 86). انگاره‌های متفاوتی برای فرا گفتمان مطرح شده است که با توجه به همخوانی و تناسب انگاره (هایلند، ۲۰۰۵) با گفتمان علمی، این انگاره چارچوب پژوهشی مطالعه حاضر در نظر گرفته می‌شود. در انگاره (هایلند، ۲۰۰۵) دو بُعد اصلی به نام‌های بعد تبدالی و برهم‌کنشی برای فرا گفتمان مطرح می‌شود که هر یک مشتمل بر راهبردهای متنوعی است.

در انگاره (هایلند، ۲۰۰۵) فرا گفتمان متشکل از دو بُعد اصلی به نام‌های بُعد برهم‌کنشی^۴ و بُعد تبدالی است. راهبردهای بُعد برهم‌کنشی فرا گفتمان، فرصتی را برای خواننده فراهم می‌کنند تا در گفتمان به‌طور فعال مشارکت یابد و از سوی دیگر، کمک می‌کنند تا سطحی از هویت و نگرش نویسنده در متن بروز یابد. بُعد تبدالی فرا گفتمان که مسأله موردنظر پژوهش حاضر است در زیر به‌طور مشروح مرور می‌گردد. هدف از به‌کارگیری راهبردهای بُعد تبدالی فرا گفتمان، شکل‌گیری یک متن به نحوی است که علاوه بر این‌که تعبیرهای مرجح نویسنده و اهداف وی را پوشش دهد، نیازهای مخاطب خاص را نیز برآورده نماید. برای تشخیص دروغ‌الگوهایمانند ون لیون، وندایک، هایلند و گرایس را مطرح کرده‌اند و به دلیل کاربرد بهتری که الگوی هایلند و گرایس دارد، در این مقاله از آن‌ها استفاده خواهد شد.

۴. پیشینه تحقیق

با توجه به جست‌وجوی انجام شده می‌توان گفت: در خصوص موضوع «راهکارهای زبان‌شناسی در تشخیص شهادت صدق از کذب» تاکنون هیچ تحقیق مستقلی انجام نشده؛ اما برخی از نویسندگان در خصوص زبان‌شناسی حقوقی تحقیقاتی انجام دادند که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره، سپس به جنبه امتیاز و نوآوری پژوهش حاضر می‌پردازیم:

(جان اولسون، ۲۰۰۴)، در کتاب زبان‌شناسی قضایی مقدمه‌ای بر زبان، جنایت و قانون در ۱۲ فصل به معرفی شاخه‌های مختلف زبان‌شناسی قضایی پرداخته است. فصل‌های مختلف کتاب به بحث در مورد افراد و کاربرد زبان، تعیین مؤلف متن، گواه در دادگاه، دزدی ادبی، راست‌گویی در زبان انواع متن‌های قضایی و آواشناسی قضایی می‌پردازد. این کتاب برای دانشجویان زبان‌شناسی کاربردی یا زبان‌شناسی قضایی به‌عنوان منبعی برای آشنایی و تمرین قابل‌استفاده می‌باشد. در پایان هر مبحث یک نمونه‌ی

1. Fairclough
2. manifest intertextuality
3. rhetorical strategy
4. interactional
5. John Olson

تحلیل شده ارائه گردیده است و نمونه‌ای برای انجام تحلیل خواننده وجود دارد.

(فرانسیس راک^۱، ۲۰۰۷)، در کتاب مقررات برقراری ارتباط: زبان دستگیری و بازداشت، مقررات قضایی برقراری ارتباط با متهمان بازداشت شده را بررسی می‌کند. در بررسی داده‌های گفتمان شفاهی و نوشتاری مرکزهای پلیس، گوینده‌ها و نویسندگان متنی یکسان قانون اخطار میراندا^۲ را به زبان خودشان شرح می‌دهند. داده‌ها این موضوع را آشکار می‌سازند که گویندگان و نویسندگان به هنگام انتقال متن درصدد هستند معنی موردنظر را با ساده کردن واژه‌ها و گرامر و با در نظر گرفتن دیدگاه و نیازهای ارتباطی دیگری برسانند. به‌رحال این نوع گفتمان هدفمند توسط افسران پلیس و بازداشت‌شدگان نه تنها برای انتقال حقایق بلکه برای اجرای گسترده‌ی وسیعی از کارگفت‌ها شامل دوباره اطمینان دادن، متقاعد کردن، منحرف کردن، به چالش کشاندن، همدردی کردن و پیشنهاد دادن به کار می‌رود.

(راجر شای^۳، ۲۰۰۸)، در کتاب زبان‌شناسی در دادگاه به‌طور عملی، به راهنمایی زبان‌شناسان مبتدی و حرفه‌ای برای فعالیت در این عرصه و کسی که می‌خواهد کار مشاوره‌ای را انجام دهد می‌پردازد. این کتاب مرحله‌به‌مرحله توضیح می‌دهد که چگونه زبان‌شناسان در این زمینه متخصص می‌شوند و سپس به‌عنوان متخصص، خدمات ارائه می‌دهند، چگونه می‌توانند شروع کنند و تمرین مشاوره را در موردی قضایی مدیریت کنند، چگونه موضوعات مهم علم اخلاق حرفه‌ای را مورد خطاب قرار دهند و چگونه می‌توانند به شکل موردی با وکلا کار کنند (بررسی مستقیم و غیرمستقیم در محاکمه). شای روش‌هایی را پیشنهاد می‌کند که زبان‌شناسان می‌توانند از تجربیات زبان‌شناسی قضایی در انتشارات و کلاس درس خود استفاده کنند، شامل پیشنهادهایی برای تألیف برخی کتاب‌های جدید که زبان‌شناسان قضایی برای کتابخانه‌های شخصی خود لازم دارند. این کتاب دستگاه قضایی آمریکا و انگلیس را پوشش می‌دهد.

در کتاب جرائم زبانی از دیدگاه زبان‌شناسی حقوقی (مؤمنی و عزیزی، ۱۳۹۱) در خصوص زبان‌شناسی آورده‌اند: زبان‌شناسی حقوقی حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است، در واقع پل ارتباطی بین زبان‌شناسی و حقوق است و از طرفی خود این رشته با رشته‌های دیگر ارتباط دارد. تحقیقات اولیه‌ی زبان‌شناسی حقوقی از علوم مختلفی نشأت می‌گرفت؛ از جمله: زبان‌شناسی، حقوق، روان‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی، به‌علاوه مطالب مختلفی از جمله تحلیل دست‌نوشته‌ها و آواشناسی حقوقی را پوشش می‌داد؛ در نتیجه می‌توان گفت که این موارد حضور زبان‌شناسی را می‌طلبد که در دادگاه حضور فعال داشته باشد.

در کتاب زبان‌شناسی حقوقی (نظری و کاربردی) به تحلیل گفتمان حقوقی پرداخته و چنین نتیجه

1. Francis Rock

2. Miranda warning

3. Shuy Roger

گرفته است: گسترش سریع شبکه اینترنت جهانی علاوه بر ایجاد تغییرات اساسی در زبان امکان دسترسی به زبان واقعی را برای تجزیه و تحلیل آن فراهم ساخت (آقا گل زاده، ۱۳۸۵، ۳۱).

در سال ۲۰۰۳ مایکل استابز این سؤال را مطرح کرد: که در این سال‌ها چه بر سر تحلیل گفتمان آمده؟ علت این سؤال این بود که در این زمان اصطلاح تحلیل گفتمان به همراه صفات متعددی به کار برده می‌شد، از جمله تحلیل گفتمان انسان‌شناسانه،^۱ شناختی،^۲ انتقادی،^۳ آموزشی،^۴ قوم‌شناختی،^۵ زنانه، قانونی، پزشکی، سیاسی، روان‌درمانگرانه^۶ و تحلیل گفتمان حقوقی؛ بنابراین پاسخ سؤال استابز این بود که تحلیل گفتمان به زیرشاخه‌های متعددی منشعب تکثیر شده که هر کدام نقش و کاربرد خاصی از زبان را مدنظر دارد (کلنارد و جانسون^۷، ۲۰۰۷).

بنابراین تحلیل گفتمان حقوقی موضوع جدیدی است که امروزه از لحاظ روش‌شناسی^۸ در حال گسترش است می‌رون در معرفی تحلیل گفتمان حقوقی معتقد است که تحلیل گفتمان حقوقی فرآیندی است از تطبیق تشابهات سبکی در اسناد حقوقی مختلف با یکدیگر و سپس ارزش‌گذاری بر اساس تشابهات تمایزات و بسامد مصداق‌ها او می‌گوید که چنین تحلیلی قطعاً تضمین‌کننده تشخیص هویت نویسنده سند مخدوش و بی‌نام و یا سند با نام جعلی یا مستعار نیست از نظر او نتایج تحلیل زبان‌شناختی می‌تواند با ارائه ادله در تعیین و اثبات نویسنده سند نقش مؤثری را ایفا کند، اما نمی‌تواند سایر نویسندگان احتمالی که می‌توانسته‌اند در جعل سند دست داشته باشند را تبرئه نماید.

هر یک از منابع داخلی و خارجی بیانگر آن است که رویکرد نگارنده آن آثار زبان‌شناسی حقوقی بدون توجه به اصول زبان‌شناسی است به عبارت دیگر نگارندگان آثار مذکور به معرفی، تعریف، اهمیت و ضرورت زبان‌شناسی حقوقی پرداختند از طرفی هم از آنجاکه موضوع مقاله حاضر، راهکارهای زبان‌شناسی در تشخیص شهادت صدق از کذب است و برای تشخیص شهادت صدق از کذب از دو الگوی نظری هایلند و الگوی گرایس استفاده خواهد شد و با توجه به مطالب به دست آمده در پایان، الگوی کارآمد را در خصوص تشخیص شهادت صدق از کذب معرفی خواهیم نمود.

۵. چهارچوب نظری و روش تحقیق
روش مورد استفاده در این مقاله، کیفی و کمی است بدین ترتیب که ۶ مورد از پرونده‌های حقوقی (۳ تا پرونده از طریق الگوی هایلند و ۳ مورد دیگر از طریق اصل گرایس) مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند

1. anthropological
2. cognitive
3. critical
4. educational
5. ethnographic
6. psychotherapeutic
7. Coulthard and Johnson
8. methodology

و پس از تحلیل شهادت‌نامه‌ها، به چگونگی تشخیص شهادت صدق از کذب پرداخته می‌شود.

۱-۵. چهارچوب نظری هایلند

الگوی هایلند از مهمترین الگوهایی است که زبان‌شناسان آن را برای تعامل میان نویسنده متن و خود متن بکار می‌برند؛ لذا از آنجا که در شهادت قضایی، شاهد نویسنده و اظهارات آن، متن محسوب می‌شود و از طریق به‌کارگیری الگوی تعاملی هدایتی و مشارکتی، می‌توان شهادت دروغ را تشخیص و در نهایت به بهبود شهادت قضایی کمک نمود، لذا نگارنده برای رسیدن به این هدف، از چارچوب نظری هایلند استفاده می‌نماید و در این خصوص می‌توان گفت: هایلند، برای نخستین بار، تمام جنبه‌های مربوط به تعامل میان نویسنده متن و خود متن و همچنین نویسنده متن و خواننده متن را ذیل اصطلاح «فراگفتمان» تعریف و طبقه‌بندی کرده و ادعا می‌کند محقق در چارچوب مطالعه مبتنی بر فراگفتمان می‌تواند از دایره متن و گفتمان فراتر رفته و متن را به‌مثابه کنشی اجتماعی تحلیل کند (قلی فامیان و کارگر، ۱۳۹۳، ۳۷-۵۲).

هایلند در الگوی خود، ۱۰ نشانگر فراگفتمانی را ارائه می‌نماید که پنج نشانگر مربوط به فراگفتمان تعاملی - هدایتی و پنج نشانگر به فراگفتمان تعاملی - مشارکتی مرتبط هستند (هایلند، ۲۰۰۵). نشانگرهای فراگفتمانی تعاملی - هدایتی عبارت هستند از: گذارها،^۱ قالب‌نماها،^۲ ارجاعات،^۳ درون‌متنی،^۴ استنادها^۵ و ابهام‌زداهای^۶ و نشانگرهای فراگفتمان تعاملی - مشارکتی عبارت هستند از: تردید نما،^۷ یقین نما،^۸ نگرش نما،^۹ خود اظهار،^{۱۰} و دخیل ساز.^{۱۱}

جدول ۱: توضیح هر یک از نشانگرها را به همراه مثال نشان می‌دهد.

جدول ۱: جدول تعاملی - هدایتی هایلند

نشانه	کاربرد	مثال
تعاملی - هدایتی	راه‌نمایی خواننده در متن	منابع ^{۱۲}
گذارها	روابط بین جمله‌واره‌های اصلی ^{۱۳} را بیان	in addition; but; thus; and

۱. Transitions

۲. Frame Markers

۳. در زبان‌شناسی، به حالتی در جمله‌ها که درک معنای یک عنصر متنی با مراجعه به عناصر دیگر متن امکان‌پذیر می‌شود ارجاع گویند.

عمده ارجاعات را ضمائر شخصی، ملکی، اشاره‌ای و صفات ملکی تشکیل می‌دهند.

۴. Endophoric Markers

۵. Evidentials

۶. Code Glosses

۷. Hedges

۸. Boosters

۹. Attitude Markers

۱۰. Self-mentions

۱۱. Engagement Markers

۱۲. Resources

۱۳. Main clauses

نشانه	کاربرد	مثال
	می‌کنند.	
قالب نماها	به مراحل، توالی‌ها و «اعمال گفتمانی» ^۱ اشاره می‌کنند.	finally; to conclude; my purpose is
ارجاعات درون‌متنی	به اطلاعات ارائه‌شده در قسمت‌های دیگر متن اشاره می‌کنند.	noted above; see Fig; in section 2
استنادها (شواهد)	به اطلاعات ارائه‌شده در متون دیگر اشاره می‌کنند.	according to X; Z states
ابهام‌زداه‌ها	معانی محتوای گزاره‌ای را با دقت شرح می‌دهند. ^۲	namely; e.g.; such as; in other words

جدول ۲: تعاملی - مشارکتی (هایلند، ۲۰۰۵، ۱۳۸)

نشانه	کاربرد	مثال
تعاملی - مشارکتی	به مشارکت طلبیدن خواننده در متن	نمونه
تردید نماها	عبارت‌های احتیاطی هستند که از هرگونه التزام خودداری می‌کنند و گفتگو را باز می‌کنند.	ظاهراً / شاید / به نظر می‌رسد
یقین نماها	عبارت‌های تأکیدی هستند که قطعیت و یقین نویسنده را نسبت به تحقق امری بازتاب می‌دهند و گفتگو را می‌بندند.	قطعاً / بی‌تردید / مبرهن است که
نگرش	دیدگاه و نگرش نویسنده را در خصوص یک پدیده بیان می‌کنند و نیز بیان‌کننده شگفتی، اجبار، موافقت؛ اهمیت و غیره است.	متأسفانه / جالب توجه این که / خوشبختانه
خود اظهارها	نویسنده با استفاده از ضمایر شخصی و ملکی در گفتمان، به‌طور صریح به خودش ارجاع می‌دهد.	من / ما / بر این باوریم / معتقدم که
دخیل سازها	برای ارتباط نویسنده با مخاطب و به عبارتی مشارکت‌جویی نویسنده از طریق جلب توجه آن‌ها به موضوع مورد بحث یا شرکت دادن آن‌ها در گفتمان از طریق ضمایر دوم شخص، پاره‌گفت‌های امری، پرسش و غیره کاربرد دارد.	فرض کنید / توجه کنید / ببینید

^۱ . Discourse acts

^۲ . Elaborate

۲-۵. الگوی هایلند در تشخیص شهادت صدق از کذب

با استفاده از مطالب مذکور در ذیل چارچوب نظری هایلند می‌توان گفت که ابزار فرا گفتمانی از مهم‌ترین ابزار مورد استفاده در مقاله حاضر است ابزار فرا گفتمانی به تمهیداتی اطلاق می‌شود که شهود با به‌کارگیری آن‌ها به سازمان‌دهی شهادت خود پرداخته و نگرش خود را نسبت به محتوای وقایع و یا مطلبی به محاکم قضایی در مقام شاهد ارائه می‌نماید ابزار فرا گفتمانی یقین‌نما، نگرش‌نما و تردیدنما از مهم‌ترین ابزارهای فرا گفتمانی استفاده‌شده در مقاله حاضر می‌باشد که در ذیل تحلیل داده‌ها به بحث و بررسی آن می‌پردازیم.

۳-۵. الگوی گرایس در تشخیص شهادت صدق از کذب

با استفاده از تعریف الگوی گرایس و جدول مطرح در ذیل الگوی گرایس می‌توان گفت که اصل کمیت، کیفیت، ارتباط، شیوه از مهم‌ترین ابزار مورد استفاده اصول گرایس در تشخیص شهادت کذب از صدق است که اگر شهود در هنگام شهادت هر یک از اصول مذکور را نقد نمایند، نشانگر آن است که شاهد اطلاع واقعی از شرح ماوقع ندارد یا بر اساس قصد و غرضی شهادت می‌دهد.

۴-۵. تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها مهمترین مرحله‌ای در هر تحقیق است که از طریق آن می‌توان به اثبات یا رد فرضیه‌ها پرداخت؛ لذا در این قسمت از مقاله حاضر نگارنده درصدد اثبات یا رد فرضیه‌های تحقیق با استفاده از الگوی هایلند و اصول گرایس است. داده‌های مقاله حاضر ۶ مورد پرونده‌های قضایی است که قضات محاکم قضایی در آن پرونده‌ها با استناد به شهادت‌نامه‌های شهود مبادرت به انشاء رأی نموده‌اند. با بررسی و تحلیل آن شهادت‌نامه‌ها با استفاده از الگوی هایلند و اصول گرایس می‌توان به نارسایی برخی از شهادت‌نامه‌ها پی برد متأسفانه این نوع شهادت (شهادت کذب یا از روی منافع و بغض شخصی) امروزه یکی از چالش‌های محاکم دادگستری است؛ لذا تحلیل و بررسی آن شهادت‌نامه و ارائه الگوی جامع برای محاکم قضایی عصر حاضر می‌تواند به احراز عدالت و احقاق آن کمک شایانی نماید. نگارنده در این قسمت از مقاله حاضر، با بررسی چهار مورد از پرونده‌ها، نارسایی شهادت‌نامه را ارائه و با استفاده از الگوی هایلند و اصل گرایس به چگونگی تشخیص شهادت صدق از کذب می‌پردازد:

۶. کاربرد اصول هایلند در تشخیص شهادت صدق از کذب

۱-۶. پرونده حکم به اعسار و معافیت از پرداخت هزینه دادرسی با استناد به استشهادیه

طرح دعوی اعسار از سوی مدیر عامل شرکت که تاجر محسوب می‌شود، فاقد وجاهت قانونی است.

شماره دادنامه: ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۲۹۰۰۸۸۹

تاریخ رسیدگی: ۱۳۹۱/۸/۶

رأی شعبه ۴۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران

آقای (الف) و به طرفیت بیمه (الف) دادخواست اعسار از پرداخت هزینه دادرسی مرحله تجدیدنظر تقدیم کرده که در تاریخ ۹۰/۱۰/۲۶ به این شعبه ارجاع شده است. با عنایت به اینکه خواهان استشهادیه منطبق بر قانون اعسار را به پیوست دادخواست تقدیم نموده و در جلسه دادرسی نیز دو نفر را به عنوان شاهد معرفی کرده و آن‌ها به عسرت و تنگدستی خواهان گواهی داده‌اند در مقابل خوانده دفاع قابل قبولی ارائه نداده و دلیلی بر رد دعوی خواهان و مفاد شهادت گواهان تقدیم نکرده، لذا دعوی مطروحه مسلم و ثابت است؛ بر همین اساس به استناد ماده ۵۰۴ و ۵۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به اعسار خواهان و معافیت موقت وی از پرداخت هزینه دادرسی مراحل تجدیدنظرخواهی نسبت به دادنامه شماره ۷۰۰۰۵۷ مورخ ۹۰/۱/۲۱ صادر و اعلام می‌گردد. این رأی ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل اعتراض نزد محاکم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۹۲، ۱۱۲).

رئیس شعبه ۴۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران

(الف) شاهد اول

نام و نام خانوادگی کدملی آدرس

ق: آقای چقدر می‌شناسید و چه مدتی با آن آشنایی دارید؟

ش: کم و بیش می‌شناسم به نظرم آدم خوبی است؟

ق: آیا ایشان در حال حاضر معسر است.

ش: به نظرم ایشان در حال حاضر فقیر است.

ق: ایشان در حال حاضر چقدر سرمایه دارد اطلاع کافی از سرمایه و درآمد ایشان دارید؟

ش: به نظر من ایشان در حال حاضر هیچ سرمایه‌ای ندارد و متأسفانه همه سرمایه‌اش را در اثر ورشکستگی از دست داده است.

ب) ایراد شهادت‌نامه قضایی شهود اول با استفاده از الگوی هایلند

با تأمل در رأی اصدار یافته می‌توان گفت که قاضی شعبه ۴۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران شهادت شهود را مبنی بر اعسار پذیرفته است؛ اما با تطبیق الگوی تعاملی هایلند بر اظهارات شهود می‌توان دریافت که

برخی از اظهارات شهود اول از جمله:

۱- کم‌وبیش می‌شناسم به نظرم آدم خوبی است: از قاطعیت و یقین شاهد خبر نمی‌دهد زیرا که طبق الگوی تعاملی هایلند الفاظ ظاهراً، شاید به نظر می‌رسد عبارتهای احتیاطی هستند که از هرگونه التزام خودداری می‌کنند و گفتگو را باز می‌کنند (تردیدنماها).

۲- به نظرم ایشان در حال حاضر فقیر است.

الفاظ به نظرم یا به نظر می‌رسد طبق الگوی هایلند الفاظ تردیدنما است که گوینده در آن از هرگونه التزام خودداری می‌نماید.

پ) تحلیل کیفی شهادت‌نامه شاهد اول با استفاده از ابزار فرا گفتمانی تردیدنما

تردیدنما همان‌طوری که در فصل قبلی گذشت یکی از ابزارهای فرا گفتمانی در الگوی (هایلند، ۲۰۰۵) می‌باشد. عبارت، مفاهیم، یا قیودی که در متن این شهادت‌نامه بکار رفته از ابزارهای فرا گفتمانی تردیدنما است که شک و تردید نویسنده و یا خواننده را بیشتر می‌نماید (شرف زاده و همکاران، ۱۴۰۱، ۲۴۱). به‌خصوص اگر گوینده شاهد باشد؛ زیرا همان‌طور که امروزه در جامعه شاهد آن هستیم برخی از شهود بر اساس منافع شخصی حاضر به شهادت در محضر دادگاه می‌شوند در این‌گونه موارد (شهادت بر اعسار) نباید شاهد از الفاظ یا عبارات تردیدنماها استفاده نماید؛ زیرا که اکثر زبان‌شناسان (یول، ۲۰۱۰؛ قور، ۲۰۱۴) معتقدند که گوینده یا نویسنده زمانی از تردیدنماها استفاده می‌نماید که اطلاع کافی از مواقع نداشته و با قاطعیت نمی‌تواند درستی آن را تأیید نماید بلکه فکر یا احساس می‌کند آنچه بیان می‌کند درست است (شرف‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱، ۲۴۰)؛ بنابراین با توجه به مطالب مذکور می‌توان استنتاج نمود الفاظی که شاهد اول در محضر دادگاه بکار می‌برد از قطعیت و یقین برخوردار نیست و از منظر زبان‌شناسی (الگوی فرا گفتمانی هایلند) نمی‌تواند مستند حکم قضایی قرار بگیرد.

ت) تحلیل کمی شهادت‌نامه شاهد اول

در شهادت‌نامه شاهد اول از چهار مورد الفاظ تردیدنما استفاده گردیده است، لذا می‌توان گفت که شاهد اول از ۱۰۰ درصد از تردیدنماها استفاده کرده است.



تحلیل کمی شهادت نامه شاهد اول

الف) شاهد دوم

نام و نام خانوادگی: کد ملی: آدرس:

ق: خواهان را از کجا می شناسید؟

ش: چند سالی است که خانه ام نزدیکی شرکت ایشان است.

ق: از کجا متوجه شدید که ایشان ورشکست شده و معسر است؟

ش: یک ماه پیش دیدم که وسایل از جمله میز و صندلی و کامپیوتر شرکت اش را می فروخت فکر کردم که به دلیل نیاز مالی وسایل شرکت اش را می فروشد.

ق: آیا به نظر شما ایشان در حال حاضر معسر است؟

ش: تا جایی که می دانم بله ایشان در حال حاضر هیچ گونه مالی ندارد.

ب) ایرادات شهادت نامه قضایی شاهد دوم با استفاده از مدل الگوی هایلند

افعال به کاررفته توسط شهود از جمله:

۱- فکر کردم که به دلیل نیاز مالی وسایل شرکت اش را می فروشد.

۲- تا جایی که می دانم بله ایشان در حال حاضر هیچ گونه مالی ندارد.

از الفاظ تردیدی هستند که طبق الگوی هایلند عبارت های احتیاطی هستند که گوینده یا نویسنده هنگامی

از آن‌ها استفاده می‌نماید که از هرگونه التزام خودداری می‌نماید در واقع این‌گونه الفاظ در عصر حاضر مرتبه نازل‌تر معرفت به شمار می‌آید؛ زیرا بیشتر لغت‌دانان و معرفت‌شناسان نیز شک را به معنای تردید در دو احتمال - به‌طور مساوی یا غیرمساوی - در نظر گرفته‌اند که نشان می‌دهد شک نوعی معرفت ضعیف را شامل می‌شود لذا چنین شهادت‌هایی نمی‌توانند در محاکم قضایی قابل استناد باشد.

پ) تحلیل کیفی شهادت‌نامه شاهد دوم بر اساس ابزار فرا گفتمانی هایلند

همان‌طوری که مشاهده گردید شاهد دوم هم از الفاظی مانند فکر کردم تا جایی که می‌دانم، در متن شهادت‌نامه استفاده نموده است این‌گونه الفاظ حاکی از بی‌میلی گوینده یا نویسنده از اظهارات خویش است؛ زیرا که نویسنده با بکار بردن این واژه‌ها و عبارات قصد دارد فضای گفت‌وگو را بین خود و خواننده ایجاد نماید؛ بنابراین نظر قطعی خود را تحمیل نمی‌کند (شرف زاده و همکاران، ۱۴۰۱، ۲۴۰).

فضای گفت‌وگو بین قاضی و شاهد دوم همان‌طور که ملاحظه گردید حاکی از شک و تردید است به‌عنوان مثال: شاهد دوم در جواب سؤال قاضی که می‌گوید از کجا متوجه شدید که ایشان ورشکست و معسر است؟ می‌گوید یک ماه پیش دیدم که وسایل از جمله میز و صندلی و ... شرکت‌اش را می‌فروخت فکر کردم که به دلیل نیاز مالی وسایل شرکت‌اش را می‌فروشد.

احتمالات دیگری در علت فروختن وسایل شرکت‌اش به نظر می‌رسد:

۱- شاید به دلیل غیرقابل استفاده شدن وسایل شرکت را می‌فروشد و درصدد ارتقاء وسایل و سیستم شرکت است

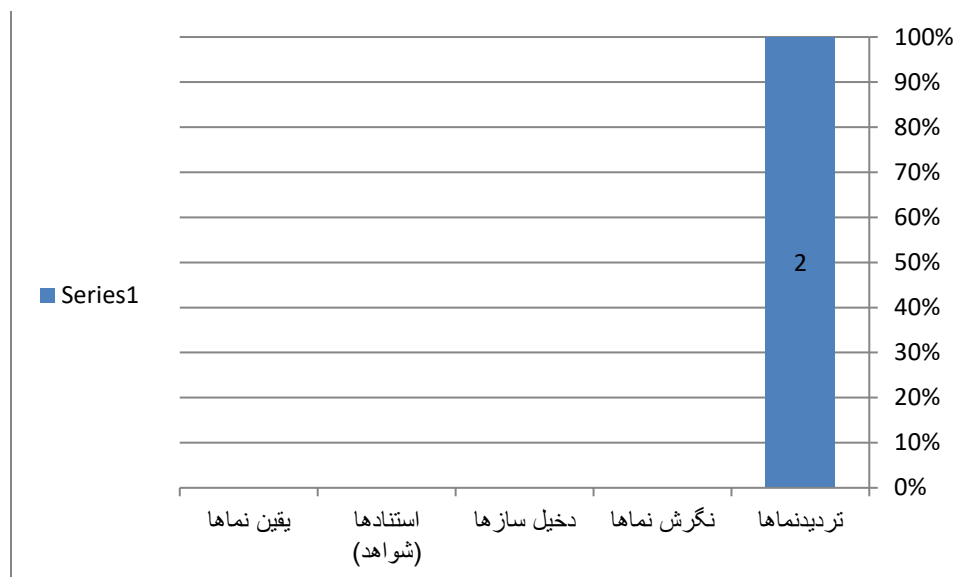
۲- شاید اصلاً وسایل شرکت‌اش را با وسایل نو مبادله می‌نماید.

۳-

بنابراین احتمالات زیادی به ذهن می‌آید و به نظر می‌آید که شاهد دوم اطلاع دقیق و کافی از مآقع نداشته است.

ت) تحلیل کمی شهادت‌نامه شاهد دوم

در شهادت‌نامه شاهد دوم، دو مورد از الفاظ تردیدنا استفاده گردیده است؛ لذا می‌توان گفت که شاهد اول از ۱۰۰ درصد از تردیدنها استفاده کرده است.



نمودار ۲: تحلیل کمی شهادت نامه شاهد دوم

۲-۶. اثبات صحت سند نکاحیه با توسل بر شهادت شهود

اعلام اراده و قصد و نیت به منظور انعقاد عقد نکاح از طریق تلفن فاقد اعتبار قانونی است.

شماره دادنامه: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۶۸۰۱۸۰۰

تاریخ رسیدگی: ۱۳۹۱/۱۲/۸

خلاصه جریان پرونده

خانم (م.الف.ب) با وکالت آقای (س.ح.) به طرفیت آقای (ر.س.) دادخواستی به خواسته اثبات زوجیت دائم مستند به استشهادیه (گواهی گواهان پیوست دادخواست در تاریخ ۸۹/۱۰/۷ در دادگاه عمومی حقوقی اصفهان مطرح نموده است که به شعبه ۱۷ حقوقی ارجاع شده است در متن دادخواست وکیل خواهان گفته است موکله در ماه آذر سال ۸۳ به عقد دائم خوانده در آمده که چندین سال است با هم زندگی می نمایند؛ لیکن اخیراً منکر رابطه زوجیت دائم شده و از ثبت ازدواج امتناع می نماید. مستند به ماده ۱ قانون ازدواج و انکار زوجیت مصوب سال ۱۳۱۱ تقاضای اثبات رابطه زوجیت دائم دارد.

دادگاه وقت جهت رسیدگی تعیین نموده است و طرفین را دعوت به رسیدگی نموده است در جلسه مورخ ۹۰/۱/۳۱ خوانده حضور نداشته؛ ولی اخطاریه به وی ابلاغ شده است. خواهان و وکیل او حاضر شده اند. وکیل خواهان گفته است: خواسته موکل به شرح دادخواست است: عقد زوجیت دائم با مهریه

یک جلد کلام الله و ۱۴ عدد سکه و ۲۰ میلیون تومان وجه نقد در آذر سال ۸۳ منعقد شده است. قباله ازدواج تنظیم شده نزد خواننده است و طرفین با هم در حال زندگی کردن می‌باشند، لیکن از ثبت ازدواج امتناع می‌نماید.

دلایل دعوا، شهود تعرفه شده هستند که حاضر به ادای شهادت هستند. خواهان گفته است تا سه روز قبل با من زندگی می‌کرد، حالا رفته نزد زن دیگرش، تقاضای استماع شهادت شهود دارم. دادگاه قرار استماع شهادت شهود را صادر نموده و در اوراق جداگانه در برگ‌های ۸ الی ۱۱ پرونده از آنان تحقیق نموده است که دو نفر از شهود فرزندان خواهان و یک نفر برادر او و یک نفر هم شوهر دخترش که از همسر قبلی او بوده‌اند بر صحت ادعای او شهادت داده‌اند.

از خواننده لایحه‌ای واصل شده که به شماره ۹۰۱۰۰۹۰۳۵۱۷۰۰۲۱۳ مورخ ۹۰/۲/۳ ثبت دفتر شده است و ضمن اعلام معذوری عدم حضور جلسه مورخ ۹۰/۱/۳۱ تصویر سند عادی تنظیمی بین خودش و خواهان ۲ به‌عنوان صیغه نامه عادی ۵ ساله که به امضا شهود و عاقد رسیده است (برگ ۱۳ پرونده) با استشهادیه‌ای که مفاد حاکی است عقد زوجیت انقطاعی فی‌مابین با توافق در پایان مدت ۵ سال منتفی شده است (برگ ۱۴ پرونده) گفته است من با خواهان عقد موقت ۵ ساله نموده‌ام و برابر توافق‌نامه صورت گرفته در پایان مدت از هم جدا شده‌ایم من شوهر پنجم این خانم هستم و او را شخص کلاهبردار معرفی کرده است.

دادگاه با اعلام ختم دادرسی به شرح دادنامه ۱۲۵/۹۰ با توجه به استشهادیه پیوست دادخواست و شهادت شهود و عدم حضور خواننده در جلسه دادرسی علیرغم ابلاغ اخطاریه و اینکه دفاعی به عمل نیاورده است. دعوای خواهان را صحیح تلقی و حکم به اثبات علقه زوجیت دائم فی‌مابین مستند به مواد ۱۰۶۲ و ۱۰۶۳ و ۱۰۷۵ قانون مدنی صادر نموده است. رأی صادره را غیابی اعلام نموده است (این رأی قبل از وصول لایحه خواننده صادر شده است).

در تاریخ ۹۰/۲/۶ آقای (ر.س.) با وکالت آقای (ع.ص.) وکیل پایه ۱ دادگستری از رأی غیابی صادره وخواهی نموده است وکیل وخواه دعوای مطروحه از سوی خواهان بدوی را مستند به دلایل و مدارک کذب و بی‌اساس دانسته که به قصد ایجاد مزاحمت علیه موکل خودش اقامه شده است و کپی صیغه نامه موقت و استشهادیه محلی و شهادت شهود را از جمله مستندات خود دانسته است.

دادگاه وقت جهت رسیدگی تعیین نموده در جلسه مورخ ۹۰/۸/۲ وکیل خواننده با رؤیت سند عادی استنادی و ابرازی وکیل وخواه امضا موکله خود را ذیل آن انکار نموده و امضا شهود و مندرجات آن را نیز مورد تردید قرار داده است. تقاضای تحقیق از شهود و عاقد را نموده است وخواه گفته است با توجه

به اینکه در پشت نسخه کاربنی که در اختیار واخوانده است با همان شرایط عقدنامه تمدید شده است عاقد فوت کرده، شهود حاضر می‌شوند دادگاه قرار رسیدگی به اصالت سند ابرازی و استماع شهادت شهود صادر نموده است و به واخوانده تذکر داده شده است شهود امضاکننده ذیل سند را همراه بیاورد.

در جلسه مورخ ۹۰/۸/۲ از شهود در اوراق ۳۱ الی ۳۵ پرونده تحقیق به عمل آمده است دادگاه پس از تحقیقات صورت گرفته به شرح دادنامه ۱۲۲۸/۹۰ واخواهی آقای (ر.س.) را نسبت به دادنامه غیابی وارد ندانسته، زیرا در قباله نامه مورخ ۸۳/۱۰/۱۲ که مورد استناد است هیچ‌گونه قیدی که دلالت بر عقد موقت نماید، نیامده است واخوانده امضا خودش را ذیل قباله نامه مذکور منکر گردیده است و واخواه اظهار داشته. موقع نوشتن این قباله نامه واخوانده حضور نداشت من قباله را بردم نزد ایشان نسخه خودش را امضا کرد و نسخه‌ای که نزد من بود مرا در بغلش گرفت و خودکار مرا در دست من داد و دستش در دست من امضا کرد.

واخواه به شهادت مسجلین ذیل قباله نامه استناد نموده که دادگاه به استناد مواد ۱۹۹ و ۲۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی جهت کشف حقیقت از آنان جداگانه تحقیق نمود که احد از شهود به نام (الف). (الف). زمان عقد را از سه سال تا ۸ سال اعلام نموده و اظهار می‌کند که موقع نوشتن این عقدنامه این خانم حضور نداشت و قباله را سید روحانی نوشت درحالی‌که واخواه اظهار داشته قباله را یک نفر که اسمش را نمی‌دانم فرشته است شاهد دیگر به نام (ف.ن). اظهار داشته سند را یک سید روحانی نوشت و موقع نوشتن و خواندن صیغه این خانم حضور داشت و شاهد دیگر به نام (م.س.). در جلسه حضور نداشته و ذیل سند را نیز امضا نکرده است که بین اظهارات واخواه و شهود تعارض وجود دارد. واخواه در جلسه ۹۰/۴/۵ گفته است عاقد فوت کرده است نمی‌دانم عاقد کجاست رهگذر بوده است.

با توجه به مراتب، نظر به اینکه اصل بر انعقاد نکاح دائم بوده نه انقطاعی و شهود نیز بر دوام عقد نکاح شهادت داده‌اند؛ لذا ضمن رد واخواهی به استناد ماده ۳۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی دادنامه غیابی را عیناً تأیید نموده است.

از این رأی وکیل آقای (ر.س.) تجدید نظر خواهی نموده شعبه ۱۹ دادگاه استان اصفهان اخذ توضیح از طرفین و ملاحظه اصل سند عادی مورد ادعا را ضروری دانسته و نیز توضیح از آقای (م.ق.) به عنوان مطلع (موضوع برگ ۶۰ پرونده) چون ضرورت داشته وقت جهت دادرسی تعیین نموده و از طرفین حضور گواه دعوت به عمل آمده است که در جلسه دادرسی مورخ ۹۱/۶/۲۵ ضمن اخذ توضیح از طرفین و وکلای آن‌ها از آقای (م.ق.) در اوراق ۶۹ الی ۷۷ پرونده تحقیق به عمل آمده که (م.ق.) جریان مراجعه طرفین جهت تنظیم سند عقد عادی که بین آنان از وقوع موقت بوده عقد و دائم بودن عقدشان اختلاف بوده است را مشروح بیان نموده است و گفته است چون اختلاف داشتند من دائم یا موقت بودن آن را

خالی گذاشتم چیزی ننوشتم از اینکه عقدشان دائم بوده یا موقت خبری ندارم دادگاه بر توضیحات جلسه مذکور ختم رسیدگی را اعلام و به شرح دادنامه ۷۰۹/۹۱ چون وقوع عقد زوجیت فی مابین زوجین محرز بوده و از این حیث مناقشه‌ای در بین نیست نهایتاً اختلاف در نوع آن است که دلایل اثباتی آقای (ر.س.) برای انقطاعی بودن عقد مذکور کافی به منظور نیست؛ زیرا اظهارات متناقض او در جلسات دادرسی و اینکه نوشته استنادی او فاقد ارزش قضائی بوده، چون به امضا زوجه نرسیده است و فردی که به عنوان عاقد معرفی شده نیز از اجرای صیغه عقد نکاح اعم از دائم یا منقطع اظهار بی‌اطلاعی کرده است موجب جهت نقض رأی بدوی ندانسته با رد تجدید نظرخواهی به عمل آمده، مستنداً به ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی رأی بدوی را تأیید نموده است و در مورد مهریه که خواسته نبوده است، خود را مواجه با تکلیفی ندانسته است؛ از این رأی فرجام خواهی از سوی آقای (ر.س.) به عمل آمده که هنگام شور لایحه وی با گزارش قرائت می‌شود.

رأی شعبه ۸ دیوان عالی کشور

ادعای تلفنی اخذ نمودن ایجاب عقد انقطاعی توسط عاقد از سوی زوج آقای (ر.س.) که در لایحه فرجامی و در جلسات اخیر دادرسی مطرح شده است معارض با مفاد اظهارات و لایحه اولیه او در پرونده کار است ضمن اینکه هنوز در قوانین موضوعه ارزش اعلام اراده و قصد و نیت برای عقد از طریق تلفن فاقد اعتبار قانونی است خاصه که زوجه مدعی دوام عقد زوجیت بوده و قراین و امارات و اظهارات شهود تعرفه شده از سوی او مؤید صحت ادعای او است و اظهارات زوج که پس از انقضای ۵ سال عقد انقطاعی اولیه مجدداً برای یک سال دیگر این عقد تمدید شده است نیز متکی به دلیل اثباتی نبوده بلکه در جهت مخدوش بودن ادعای زوجه است که بر دائم بودن عقد و تداوم آن تا تاریخ اقامه دعوا چنین ادعایی مطرح شده است؛ لذا بر تشخیص دادگاه محترم بدوی و تجدیدنظر با توجه به استدلال به عمل آمده در رأی خدشه‌ای که مؤثر در نقض رأی باشند وارد نگردیده و چون از حیث رعایت اصول و قواعد دادرسی نیز موجبی جهت تخدیش رسیدگی‌های معموله و رأی صادره نیست مستنداً به ماده ۳۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی رأی فرجام خواسته ابرام می‌گردد (بازگیر، ۱۳۸۹، ۱۱۱ - ۱۱۳).

رئیس شعبه ۸ دیوان عالی کشور - مستشار - عضو معاون

الف) شاهد اول

نام و نام خانوادگی با کد ملی صادره نشانی

ق: در خصوص ادعای خانم (م.الف) چه اطلاعی دارید؟

ش: جناب قاضی خواهر من (خانم م.الف) در سال ۱۳۸۳ با آقای (ز.س.) آشنا شده و پس از چند ماه

آشنایی این رابطه منجر به ازدواج شد. درواقع این مسأله را همه فامیل و آشناهایمان می‌دانند حتی من و خواهرزاده‌هایم معترض ازدواج خواهرمان با این مرد شدیم ولی متأسفانه حریف خواهرمان نشدیم.

ق: چند سال خانم (م.الف) با آقای (ر.س) با هم زندگی کردند؟

ش: بدون تردید می‌توانم بگویم که زیر پنج سال نبوده است.

ق: حاضرید بر صحت و درستی اظهارات خود قسم بخورید؟

ش: بله آقا من حاضرم.

ب) ایرادات شهادت‌نامه شاهد اول

با بررسی شهادت‌نامه شاهد اول و تطبیق آن با الگوی هایلند می‌توان گفت اظهارات شهود اول کاملاً منطبق با الگوی هایلند بوده و هیچ‌گونه ایرادی دیده نمی‌شود؛ زیرا که شاهد اول از الفاظ تأکیدی مانند درواقع و از الفاظ نشانه‌های خود اظهاری مانند من و نگرش‌نماها (متأسفانه) استفاده نموده که بیانگر یقین‌گوینده (شاهد) نسبت به اظهارات و شرح ماوقع است.

پ) تحلیل کیفی شهادت‌نامه شاهد اول

شاهد اول در شهادت‌نامه برای اثبات رابطه زوجیت خانم (م. الف) با آقای (ر.س) از ۳ لفظ ابزاری فرا گفتمانی استفاده نموده است.

۱- از الفاظ یقین‌نما: درواقع این مسأله را همه فامیل و آشنایان می‌دانند.

بدون تردید می‌توانم بگویم که زیر پنج سال نبوده است.

۲- خوداظهارها: من و خواهرزاده‌هایم.

۳- نگرش‌نماها: ولی متأسفانه حریف خواهرمان نشدیم.

در توضیح آن‌ها طبق الگوی هایلند باید گفت که الفاظ درواقع و بدون تردید از الفاظ ابزار فرا گفتمانی یقین‌نما هستند (هایلند، ۲۰۰۵). همان‌طوری که از اسم این‌گونه واژه‌ها پیداست یقین‌نما حاکی از اطمینان نویسنده و تأکید او بر معانی و یاوه‌گفت‌ها است به عبارتی یقین‌نماها واژه‌ها و عباراتی هستند که نویسنده با استفاده از آن‌ها اطمینان خود را از آنچه در متن می‌گوید بیان می‌نماید و مشارکت با موضوع و همبستگی خود با مخاطب را نشان می‌دهد (شرف زاده و همکاران، ۱۴۰۱، ۲۴۳).

بنابراین با توجه به مطالب مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگر شاهد در شهادت‌نامه از الفاظ یقین‌نما استفاده نماید حاکی از آن است که نسبت به گفته‌های خود اطمینان دارد و آگاهی و اطلاع کافی

از ماقع دارد.

خوداظهار (من و...) در الگوی هایلند الفاظی هستند که نشانگر آن است که شاهد در هنگام به‌کارگیری چنین لفظی آن چیزی را که می‌گوید و بر آن شهادت می‌دهد اطلاع کافی دارد و آن را با اعتقاد راسخ بیان می‌نماید.

نگرش (متأسفانه و ...) طبق الگوی تعاملی هایلند دیدگاه و نگرش نویسنده را در خصوص یک پدیده بیان می‌نماید و نیز بیان‌کننده شگفتی، اجبار موافقت، اهمیت و ... است (هایلند، ۲۰۰۵)؛ بنابراین شاهد اول با به‌کارگیری چنین لفظی ناراحتی و انزجار خود را نسبت به وقایع پیش‌آمده بیان می‌نماید و طبیعی است که در چنین حالتی با صدق موضوع و وقایع می‌توان اظهار ناراحتی و همدردی را نشان داد؛ لذا می‌توان گفت نگرش‌نماها جزو الفاظی هستند که نشانگر شهادت صدق است.

ت) تحلیل کمی شهادت‌نامه شاهد اول

در شهادت‌نامه شاهد اول از دو مورد الفاظ یقین‌نما و دو مورد خوداظهارها و یک مورد نگرش‌نماها استفاده گردیده است؛ لذا می‌توان گفت که شاهد اول از ۴۰ درصد خوداظهارها، ۴۰ درصد یقین‌نماها و ۲۰ درصد نگرش‌نماها استفاده کرده است.



نمودار ۳: تحلیل کمی شهادت‌نامه شاهد اول

الف) شاهد دوم

نام و نام خانوادگی با کد ملی صادره نشانی

ق: در خصوص رابطه زوجیت خانم (م.الف) با آقای (ر.س) اطلاعی دارید؟

ش: بله آقای قاضی، پنج‌ساله که مادر من با آقای (ر.س) ازدواج نموده است.

ق: چطوری ازدواج کردند نحوه آشنایی آن‌ها چطوری بوده لطفاً توضیح دهید؟

ش: آقای (ر.س) حدود شش و هفت ماه بود که با خانواده ما (مادرم، من و خواهرم) اظهار دوستی می‌کرد و رفت‌وآمد داشت که بعدها متوجه شدیم مادرم قصد ازدواج با این مرد را دارد باوجود مخالفت‌های من و برخی از فامیل‌های ما از جمله دایی‌هایم متأسفانه مادرم ازدواج کرد و بعد از یکی دو ماه ازدواجشان را از قول مادرم شنیدم که مهریه‌اش مثل اینکه ۱۴ عدد سکه و ۲۰ میلیون تومان وجه نقد است. اوایل ازدواجشان خیلی رابطه صمیمانه‌ای داشتند؛ ولی با گذشت زمان به نظر می‌رسید آقای (ر.س) از این ازدواج پشیمان شده است. فکر کنم به خاطر همین پشیمانی الان منکر ازدواج با مادر من است.

ق: آیا حاضرید برای صحت اظهارات خود به قرآن کریم قسم بخورید؟

ش: بله آقای قاضی من آماده‌ام قسم بخورم در حق مادر بیچاره‌ام ظلم شده است.

ب) ایرادات شهادت‌نامه شهادت شاهد دوم

با بررسی شهادت‌نامه شاهد دوم می‌توان گفت که شاهد دوم از برخی الفاظ مانند به نظر می‌رسید، فکر کنم، استفاده نموده که اصطلاحاً این‌گونه الفاظ در الگوی هایلند به عبارات احتیاط‌آمیز مشهور بوده و طبق نظر هایلند این‌گونه الفاظ شک و تردید گوینده را نسبت به اظهارات و گفته‌های خود به همراه دارد یعنی شاهد با بکار بردن این الفاظ از تعهد کامل نسبت به درستی و صدق اظهارات خود جلوگیری می‌نماید.

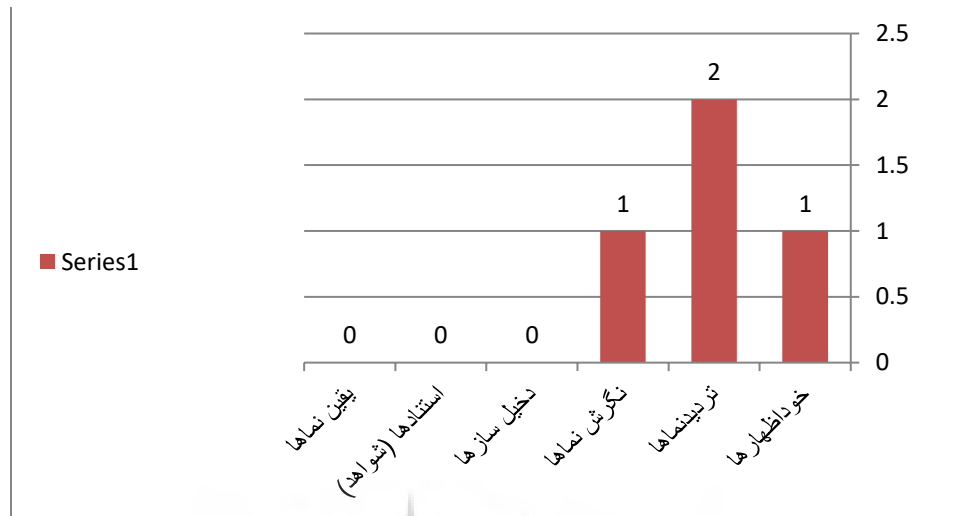
پ) تحلیل کیفی شهادت‌نامه شاهد دوم

شاهد دوم ابتدا از الفاظ نگرش‌نما (متأسفانه مادرم ازدواج کرد) و خوداظهارها (باوجود مخالفت‌های من و برخی از فامیل‌ها من جمله دایی‌هایم) استفاده نموده است، این‌گونه عبارات و الفاظ همان‌طوری که توضیح مفصل در ذیل بندهای قبلی مطرح نمودیم حاکی از آن است که گوینده (شاهد) اطلاع کافی و دقیق از ماجرا و مواقع ندارد.

ت) تحلیل کمی شهادت‌نامه شاهد دوم

در شهادت‌نامه شاهد دوم از دو مورد تردید‌نماها، یک مورد خوداظهارها و یک مورد نگرش‌نماها استفاده

گردیده است؛ لذا می‌توان گفت که شاهد دوم ۲۵ درصد از خوداظهاریها، ۲۵ درصد از نگرش‌نماها و ۵۰ درصد تردیدنماها استفاده کرده است.



نمودار ۴: تحلیل کمی شهادت‌نامه شاهد دوم

۷. کاربرد اصول گرایس در تشخیص شهادت صدق از کذب

۱-۷. شهادت شهود به عدم تمایل زندگی زوج با زوجه

شماره دادنامه: ۷/۳۳۳

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۰/۴/۱۵

خلاصه جریان پرونده:

تجدیدنظرخواه به طرفیت تجدیدنظرخوانده دادخواست به خواسته تعیین تکلیف و مطالبه نفقه از قرار ماهی سی هزار ریال تقدیم دادگاه‌های مدنی خاص ... نموده شعبه ششم دادگاه مدنی خاص ... به موضوع رسیدگی [کرده]، در جریان دادرسی خواهان خواسته خود از سی هزار ریال (ماهیانه) به بیست هزار ریال تقلیل داده است. دادگاه پس از استماع اظهارات طرفین و تحقیق از شهود با اعلام ختم دادرسی چنین رأی داده است:

«نظر به اینکه حسب حکم صادره از شعبه ششم دادگاه ... مقرر شده که زوج منزل مستقل تهیه نماید و حسب گزارش کلانتری زوج دارای منزل مناسب است و زوجه حاضر نشده به منزل زوج مراجعت نماید به نظر دادگاه دعوای خواهان غیرثابت تلقی و به استناد به ماده ۳۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی حکم به بطلان دعوای خواهان صادر و اعلام می‌گردد.»

با تجدید نظرخواهی زوجه پرونده به دیوان عالی کشور ارسال و جهت رسیدگی به این شعبه ارجاع گردیده است. هیئت شعبه تشکیل و پس از قرائت گزارش عضو ممیز و مطالبه پرونده مشاوره نموده، چنین رأی می‌دهد:

رأی شعبه ۷ دیوان عالی کشور

با توجه به محتویات پرونده ملاحظه می‌شود تجدیدنظرخواه (زوجه) در صورت جلسه مورخه ۶۹/۷/۲ دادگاه اظهار نموده: «با این وجود اگر مادرش را نصیحت کند که مرا اذیت و آزار نکند من حاضرم که با ایشان زندگی کنم و اگر بیاید مرا ببرد من حرفی ندارم».

همچنین مشاراً الیها در صورت جلسه مورخه ۶۹/۹/۱۲ دادگاه اظهار داشته: «حرف بنده همان است که در جلسات قبل و طی دادخواست گفته‌ام. چنانچه از مادرش جدا زندگی نماید منم حاضرم از ایشان تمکین نموده و به منزل مراجعت نمایم».

باوجود مراتب مذکور دادگاه در حکم تجدیدنظرخواسته نوشته است: «... ولی زوجه اظهار داشت حاضر به مراجعت به منزل شوهرش نیست» معلوم نیست زوجه در کجا اظهار نموده است.

نظر به اینکه حکم تجدید نظرخواسته مخالف مندرجات پرونده و غیرمستدل صادر گردیده نقض می‌شود و رسیدگی مجدد به شعبه دیگر دادگاه‌های مدنی خاص - ارجاع می‌شود که با توجه به محتویات پرونده‌های قبلی اقدام شایسته معلوم دارند.

رسیدگی ناقص است:

۱- در مورد شغل خواهان با توجه به اظهارات زوج در ذیل برگ لایحه ۶۸/۱۲/۱۶ تحقیق لازم است که تحقیق به عمل نیامده است.

۲- در مورد منزل مسکونی از کیفیت و کمیت بناء منزل که مناسب شأن زوجه است یا نه تحقیق به عمل نیامده است.

زوج در دادگاه اظهار داشته فقط مادرم نزد من زندگی می‌کند؛ لہذا از تفرد مسکن تحقیق به عمل نیامده، شهود شهادت داده‌اند که زوج قصد زندگی ندارد. با توجه به مجموع محتویات و توجه به اینکه تمکین زوجه از زوج علی‌ای وجه ممکن واجب است و توجه به اینکه نفقه و تفرد در امر مسکن جزء حقوق مسلمه زوجه است نتیجتاً با نقض حکم صادره و ارسال پرونده به شعبه دیگر هم عرض موافق (بازگیر، ۱۳۸۹، ۲۲۱).

الف) شاهد اول

نام و نام خانوادگی کد ملی آدرس

ق: آیا شما اطلاع دارید که آقای برای همسرش خانه مجزا گرفته است؟

ش: در یک‌خانه‌ای آقای با مادرش زندگی می‌کرد ولی نمی‌دانم که آن خانه را برای همسرش اجاره نموده یا خیر؟ من فقط زندگی کردن آقای را با مادرش دیدم.

ق: آیا شما اطمینان دارید که آقای آن خانه را برای همسرش اجاره نموده است؟

ش: نمی‌دانم ممکن است برای مادرش اجاره کرده باشد من فقط می‌دانم که آقای یک‌خانه اجاره کرده است.

ب) ایرادات شهادت‌نامه قضایی شاهد اول با استفاده از اصول گرایس

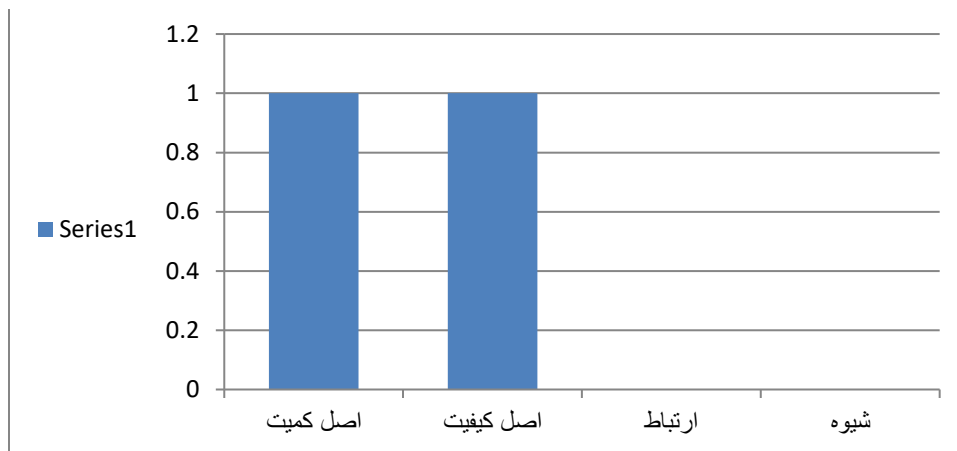
با تطبیق اصل گرایس بر روی اظهارات شاهد اول می‌توان گفت که شاهد اول، اصول گرایس را (اصل کمیت و کیفیت) نقض نموده‌اند؛ زیرا که شاهد اول در جواب قاضی که «آیا شما اطلاع دارید که آقای برای همسرش خانه مجزا گرفته است؟» می‌گوید: «آقای با مادرش زندگی می‌کرد ولی نمی‌دانم که آن خانه را برای همسرش اجاره نموده یا خیر؟» نقض اصل کمیت کرده است؛ زیرا اطلاعات موردنیازی که نیاز پرونده بود ارائه نمی‌نماید؛ زیرا که هدف قاضی از پرسش این سؤال از شاهد این بوده که به حقیقت ماجرا (خانه گرفتن آقای برای زوجه‌اش) مطلع شود، در صورتی که شاهد اول از گفتن حقیقت فرار می‌نماید و در عبارت «نمی‌دانم ممکن است» اصل کیفیت را نقض کرده است.

پ) تحلیل کیفی شهادت‌نامه شاهد اول با استفاده از اصول گرایس

همانطوری که در ذیل توضیح اصول گرایس گذشت، یکی از ابزارهای ادعاهای صدق‌گوینده از منظر گرایس، رعایت اصل کمیت و اصل کیفیت است؛ اما شاهد اول با بکار بردن عباراتی نظیر: «در یک خانه‌ای آقای با مادرش زندگی می‌کرد ولی نمی‌دانم که آن خانه را برای همسرش اجاره نموده یا خیر؟» اصل کمیت را نقض نموده است و با عبارت «نمی‌دانم ممکن است» طبق شواهد سخن نگفته است، اصل کیفیت را نقض کرده است. چنین گفته‌هایی از منظر الگوی گرایس، نشانگر عدم اطلاع‌گوینده از مآقع است.

ت) تحلیل کمی شهادت‌نامه شاهد اول

در شهادت‌نامه شاهد اول یک مورد اصل کمیت و یک مورد اصل کیفیت را نقض کرده؛ لذا می‌توان گفت که شاهد اول ۵۰ درصد اصل کمیت و ۵۰ درصد اصل کیفیت را نقض کرده است.



نمودار ۵: تحلیل کمی شهادت نامه شاهد اول

۲-۷. ابطال شناسنامه موجود و صدور شناسنامه جدید با استناد به شهادت شهود

شماره دادنامه: ۲۵/۴۲۴

تاریخ رسیدگی: ۱۳۷۲/۸/۳

خلاصه جریان پرونده

«الف» دعوایی به خواسته ابطال شناسنامه ۲ - ۵۳/۳/۲ به طرفیت اداره ثبت احوال ... اقامه نموده و نتیجه چنین توضیح داده، پدرم شناسنامه دختر متوفای خود را به اینجانب که بعداً متولد شده ام اختصاص داده که اشکالاتی در ادامه تحصیلات من به وجود آمده و ابطال شناسنامه موجود و صدور شناسنامه به تاریخ تولد ۱۳۵۵ را به نام خود درخواست نموده است. خواننده ادعای خواهان را وارد ندانسته و اظهارات شهود قضیه را وارد ندانسته و ضمن اظهاراتی درخواست رد دعوی را نموده است. دادگاه با تحقیق از شهود قضیه و نظر شورای پزشکی به شرح صورت جلسات موجود در پرونده و با کسب نظر مشاور دادگاه مبادرت به صدور نظریه مبنی بر پذیرش دعوی را نموده و سپس با حذف موادی از قانون تشکیل دادگاههای حقوقی ۱ و ۲ ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به صدور حکم نموده نتیجه به شرح زیر:

با توجه به نظریه شورای پزشکی و شهادت شهود و دفاعیات غیرموجه خواننده به ابطال شناسنامه موجود و صدور شناسنامه جدید به نام خواهان با تاریخ تولد ۱۳۵۵/۶/۲ صادر و اعلام می شود. تجدیدنظرخواهی شده رسیدگی به این شعبه ارجاع گردیده هیئت شعبه به تاریخ فوق تشکیل شده است. با توجه به محتویات پرونده و مشاوره مبادرت به صدور رأی می شود:

رای شعبه ۲۵ دیوان عالی کشور

«باسمه تعالی،

ایراد و اعتراض موجه و مستدلی که نقض دادنامه را ایجاب کند به عمل نیامده است. اشکال دیگری هم بر آن مشهود نیست. علی‌هذا دادنامه مورد تقاضای تجدیدنظر ابرام می‌گردد» (بازگیر، ۱۳۸۹، ۲۵۷).

الف) شاهد اول

نام و نام خانوادگی کد ملی آدرس

ق: آیا شما از ادعای خانم که می‌گوید پدرم شناسنامه دختر متوفای خود را به اینجانب اختصاص داده، اطلاعی دارید؟

ش: بله! اطلاع دارم جناب رئیس، ولی آقای که پدر خانم می‌باشند، یک پسری داشته که آن پسر مرحوم شده است و به گمانم شناسنامه آن پسر را برای این دختر برداشته‌اند!

ق: پس شما ادعای خانم را طبق گفته‌های خودتان تکذیب می‌کنید؟

ش: نه من کی تکذیب کردم؟! ولی اونی که مرحوم شده شناسنامه آن را برای آن خانم برداشته‌اند، یک پسر بوده!

ب) ایرادات شهادت‌نامه قضایی شاهد اول با استفاده از اصول گرایس

با تطبیق اصل گرایس در شهادت‌نامه شاهد اول می‌توان گفت که شاهد اول، اصل ارتباط «مرتبط سخن گفتن» و اصل شیوه «پرهیز از مبهم‌گویی» را نقض کرده است؛ زیرا که در پرسش قاضی «آیا شما از ادعای خانم که می‌گوید پدرم شناسنامه دختر متوفای خود را به اینجانب اختصاص داده، اطلاعی دارید؟»، می‌گوید: «آقای یک پسری داشته که آن پسر مرحوم شده است و به گمانم شناسنامه آن پسر را برای این دختر برداشته‌اند!» در واقع شاهد اول اصلاً طبق ادعای خانم شهادت نداده و مرتبط با موضوع سخن نمی‌گوید، چنین شهادتی از منظر الگوی گرایس معتبر نبوده است و در جواب قاضی که می‌گوید «پس شما ادعای خانم را طبق گفته‌های خودتان تکذیب می‌کنید؟» عبارت شاهد اول مبهم و مجمل است.

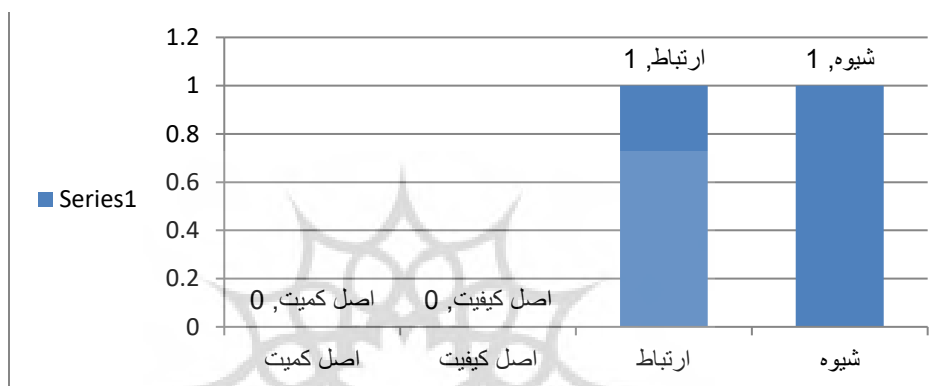
پ) تحلیل کیفی شهادت‌نامه شاهد اول با استفاده از اصول گرایس

طبق الگوی گرایس، رعایت اصل ارتباط و اصل شیوه، یکی از مهمترین ابزارهایی است که می‌توان ادعای سخن‌گوینده را تصدیق نمود؛ اما شاهد اول با به‌کارگیری عبارت خارج از محتوا و مبهم، این دو اصل

را نقض نموده است، در واقع می‌توان گفت شاهد اول یا اطلاعی از ماجرا نداشته است، یا اینکه ادعای خواهان (خانم) کذب بوده است، در هر دو صورت، چنین شهادتی برای محاکم قضایی مورد تأیید نیست.

ت) تحلیل کمی شهادت‌نامه شاهد اول

در شهادت‌نامه شاهد اول یک مورد اصل ارتباط و یک مورد اصل شیوه را نقض کرده است؛ لذا می‌توان گفت که شاهد اول ۵۰ درصد اصل ارتباط و ۵۰ درصد اصل شیوه را نقض کرده است.



نمودار ۶: تحلیل کمی شهادت‌نامه شاهد دوم

نتیجه‌گیری

از بین نظریات مربوط به زبان‌شناسی، الگوی هایلند و اصل گرایس کاربرد بهتری در تشخیص شهادت صدق از کذب دارند، الگوی هایلند ناظر بر واژگان و الفاظ شهادت‌نامه‌ها است، در صورتی‌که اصول گرایس ناظر بر عبارت (جمله‌ها) است، با به‌کارگیری این دو اصل در شهادت‌نامه‌های مذکور و تحلیل‌هایی که انجام شد، می‌توان به این نتیجه قطعی رسید که الگوی هایلند در تشخیص شهادت صدق از کذب کارایی بیشتری دارد؛ زیرا که با بررسی تک‌تک واژه‌های شهادت‌نامه‌ها، بهتر می‌توان به نادرستی شهادت شهود پی برد و امکان خطا در چنین حالتی کمتر است و از آنجاکه اصول گرایس ناظر بر عبارت «جمله‌ها» است، احتمال خطا در چنین شهادت‌نامه‌هایی بیشتر است؛ لذا با توجه به نظریات و مطالب مذکور، الگوی هایلند برای تشخیص شهادت صدق از کذب در مجامع و محاکم قضایی پیشنهاد می‌شود و در مجموع می‌توان گفت نقض عناوین هر یک از دو اصول، بیانگر پنهان‌کاری و دروغ‌گویی شهود است که شهود اطلاع واقعی از ماوقع و ادعای خواهان ندارد یا اینکه بر اساس منافع، مقاصد و اغراض شخصی

حاضر به شهادت در محاکم قضایی می‌شود. قضات با تأمل در شهادت‌نامه‌ها و پیاده کردن الگوی هایلند بر روی شهادت‌نامه‌ها، بهتر می‌توانند صحت و سقم شهادت شهود را تشخیص دهند.

کتاب‌شناسی

۱. ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۲. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، (۱۴۱۱ ق)، المهذب البارع، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۳۷۴)، لسان العرب، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۴. آقا گل زاده، فردوس، (۱۳۸۵)، تحلیل گفتمان انتقادی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ اول.
۵. امامی، حسن، (۱۳۷۰)، حقوق مدنی، کتابفروشی اسلامی، چاپ ششم.
۶. بازگیر، یدالله، (۱۳۸۹)، آرای دیوان عالی کشور در امور حقوقی، تهران، نشر جاودانه.
۷. جمعی عاملی، زین الدین (شهید ثانی)، (۱۴۱۶)، مسالک الافهام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول.
۸. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
۹. شرف‌زاده، محمد حسین، گل‌زاده گروی، زهرا، باباسالاری، زهرا، یزدانی، سعید (۱۴۰۱)، « بررسی بازنمایی زبانی رویداد حرکت از منظر زبان‌شناسی شناختی»، مجله زبان‌شناسی و گویشهای خراسان، سال چهاردهم، شماره ۱، ۲۴۳-۲۴۰.
۱۰. طارمی، طاهره، تاکی، گیتی، یوسفیان، پاکزاد، (۱۳۹۷)، « جنسیت در مقالات علمی فارسی زبان: مطالعه پیکره بنیاد نشانگرهای فرا گفتمان تعاملی بر اساس انگاره هایلند»، نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی، دوره دهم، شماره ۱، ۲۳-۴۱.
۱۱. طریحی، فخرالدین، (۱۳۶۵)، مجمع البحرين، تهران، انتشارات مرتضوی.
۱۲. قلی‌فامیان، علی‌رضا، کارگر، مریم، (۱۳۹۳)، « تحلیل مقالات نقد کتاب‌های زبان‌شناسی ایران بر اساس الگوی فرا گفتمان هایلند»، پژوهش‌های زبان‌شناسی، دوره پنجم، شماره ۲، ۳۷-۵۲.
۱۳. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷)، اثبات و دلیل اثبات، تهران، نشر بنیاد حقوقی میزان.
۱۴. گلباغی ماسوله، سید علی جبار، ملک مطیعی، ساسان، (۱۴۰۱)، « پیشگیری وضعی با رویکرد طراحی محیطی در کاهش سرقت منازل اجتماعی (مطالعه موردی مسکن مهر شهر رشت)»، آموزه‌های فقه و حقوق جزاء، دوره اول، شماره ۲، ۸۵-۱۰۶.
۱۵. معاونت آموزش قوه قضائیه (۱۳۹۲).
۱۶. معین، محمد، (۱۳۸۶)، فرهنگ معین (فارسی)، چاپ دوم، تهران، زرین، نگارستان کتاب.
۱۷. نجفی، ابوالحسن، (۱۳۷۱)، مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، تهران، انتشارات نیلوفر.
18. Crismore, A. Markkanen, R. Steffensen, M.S., (1993), « **Metadiscourse in persuasive writing: A study of texts written by American and Finnish University students** », *Written Communication* 10.
19. Grice, H.P, (1975), « **Logic and Conversation** » in (eds.) P. Cole & J. Morgan, New York: Academic Press.
20. Groot, G.R., (2003), **Language and Law: the Netherlands**, Maastricht University Press.
21. Hyland, K., (2005b), « **Stance and engagement: A model of interaction in academic**

- discourse** », Discourse Studies, Vol.7(2).
22. Vande Kopple, William J., (1985), « **Some explanatory discourse on metadiscourse** », *College Composition and Communication*.
23. Yule, George, (1996), **the study of language (second eds)**, Cambridge, cambridge university press.

